■حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
فقر و تنگدستی و طول عمر را به خود تلقین نکن.

■اذان ظهر: ۱۲:۰۷ ■غروب آفتاب: ۱۹:۲۴
■اذان مغرب: ۱۹:۴۵ ■نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۴
■اذان صبح فردا: ۳:۰۵ ■طلوع آفتاب فردا: ۴:۵۱

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

■پنجشنبه ۷ تیر ۱۴۰۳ ■سال سی‌ودوم ■شماره ۹۱۳۶ ■ جهش تولید با مشارکت مردم

■پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■چاپ: همشهری
■تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■توزیع و اشتراک:
موسسه نشرگستر امروز نوین
■تلفن: ۹۱۳۰۴۱۴۲

■دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■همشهری: www.hamshahrionline.ir
■سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

■صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■مدیر مسئول: محسن مهدیان
■سردبیر: دانیال معمار
■دبیر تحریریه: مهدی علیپور
■معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
■مدیر فنی: حامد یزدانی
■مدیر هنری: مهدی سلامی
■دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■مدیر: محسن امین
■دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■دبیر: لیلی خرسند

ایرانشهر:
■دبیر: زهرا عباسی
تندرستی:
■مدیر: عیسی محمدی
■دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■مدیر: جواد عزیزی
■دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■مدیر: ساسان شادمان
■دبیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
■مدیر: محمد باریکانی

فرهنگ شهر:
■دبیر: فهیمه طباطبایی
گزارش:
■مدیر: مسعود میر
■دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■مدیر: سعید مروتی
■دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■دبیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
■دبیر: محمدعلی حلیمی

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

حافظ
هر سر موی مرا با تو هزاران کار است
ما کجاییم و ملامت‌گر بی‌کار کجاست؟

یادداشت

غافلگیری تابستانی

سیدسروش طباطبایی‌پور

ما معلم‌ها هر جا که می‌رویم، یکهو یکی از دانش‌آموزان سال‌های دور یا نزدیک، سر راهمان سبز می‌شود و معمولا از سر لطف، مسیرش را کج می‌کند و به سمت ما می‌آید و می‌گوید: «سلام آقا... خوبین؟ من دانش‌آموزتون بودم.... اسم من رو یادتون هست؟»

البته از اقبال بد من، هر وقت که این اتفاق برایم رخ داده، در شرایط نارنجی، قرمز و حتی گاهی بنفش بوده‌ام و خلاصه اوضاع قاتی و پاتی شده.

نمونه‌اش، همین سفر اخیرمان. بعد از خاتمه یک سال تحصیلی، شال و کلاه کردیم و به همراه خانواده رفتیم به طرف استان گیلان. سر ظهر، یک ساعت مانده به رشت، قرار شد در جنگل سراوان اتراق کنیم. ما هم تا جایی که می‌شد، گاز دادیم و از جاده و صدا و آدم‌ها دور شدیم و آن‌قدر رفتیم و رفتیم که دیگر خیالمان راحت شد که حتی خرس‌ها هم پایشان به آنجا نمی‌رسد. خلاصه فقط ما بودیم و درخت‌ها و وزوز پشه‌ها. زیرانداز را پهن و چادر را برپا و خودمان را در میان نگاه به ابرها رها کردیم و با همسرجان و دخترجان، مشغول بگو بخند و بخور بخواب و انجام بازی همیشگی شطرنج شدیم. وسط آن بازی حساس که همیشه هم با کل کل همراه است، یکهو دخترجان، کلک مرا وسط بازی فهمید و کل جنگل را گذاشت روی سرش که تقلب کردی و باید از زمین و زمان و خرس‌ها و پشه‌های جنگل هم عذرخواهی کنی و خلاصه از او اصرار و از من انکار که یکهو، صدایی توجه ما را به خودش جلب کرد.

همه سکوت کردیم، حتی پشه‌ها؛ اما صداهایی که به ما نزدیک می‌شدند، سکوت نکردند و آهسته آهسته فاصله خود را با ما کم کردند. صدای قلبم را می‌شنیدم که تاپ و تاپ می‌زد و می‌گفت «وسط این جنگل، کیه خدایا....؟» که یکهو از پشت بوته‌ها یک دسته جوان قبراق، بیرون پریدند و برای لحظاتی چشم در چشم هم شدیم و هر آنچه نباید بشود، شد! یکی از آن سه نفر، با صدایی دورگه و رسا، به طرف رفقایش نگاه کرد و گفت: «وای بچه‌ها.... آقای طباطبائیه...» و به سمت من دوید و فریاد زد: «وای.... سلام آقا... خوبین.... شما کجا، اینجا کجا.... اسم من رو....» حال خودم را نمی‌فهمیدم. از طرفی، از دیدن بچه‌ها خوشحال شده بودم و از سویی ناراحت، آن هم درست وسط بگو مگوی خانوادگی و جابه‌جایی زیرکانه وزیر و اسب و فیل و خلاصه کلک‌های پدرانه! از ادامه ماجرا، چیز چندانی به خاطر ندارم. فقط یادم هست با بچه‌ها هم چند دست شطرنج بازی کردیم؛ البته معلمانه و بدون کلک! و خوب یادم هست که وسط بازی، یکی از بچه‌ها رو به دخترم گفت: «درضمن، دختر خانوم، آقا معلم ما هیچ‌وقت کلک نمی‌زنه! تازه اگر هم بزنه، شما نباید جنگل رو روی سرت بذاری...» و خلاصه من آهسته آهسته عرق می‌ریختم و بخار می‌شدم و آب!

طبیعت همیشه برنده است

درختانی که مانع نمی‌شناسند و هر جا دلشان خواسته سبز شده‌اند

این‌طور به‌نظر می‌رسد که قانون طبیعت برای رسیدن به سعادت و خوشبختی تنها یک کلمه است؛ تلاش؛ آن هم تلاشی همراه با سرسختی. انسان و درخت و حیوان هم ندارد. به این ترتیب، عواملی چون استعداد و امکانات و بخت و اقبال، شاید سرعت تو را برای رسیدن به نقطه سعادت کمی بیشتر کنند ولی نقشی در خوشبختی تو ندارند اما امان از کیمیای تلاش! نمونه‌اش، همین درختان پیش‌رویمان که در سخت‌ترین شرایط، چون از رو نرفته‌اند و سرسخت بوده‌اند، حتی سنگ‌ها را هم شکافته‌اند و به‌سوی خورشید خوشبختی، قد کشیده‌اند.

سنگدل

سنگ گفت: «دل من از سنگ است و به تو اجازه نخواهم داد برویی» درخت گفت اما من صبورم و تنها به نور نگاه کرد. بعد از سال‌ها، ناگهان جهان از هم شکافت و...

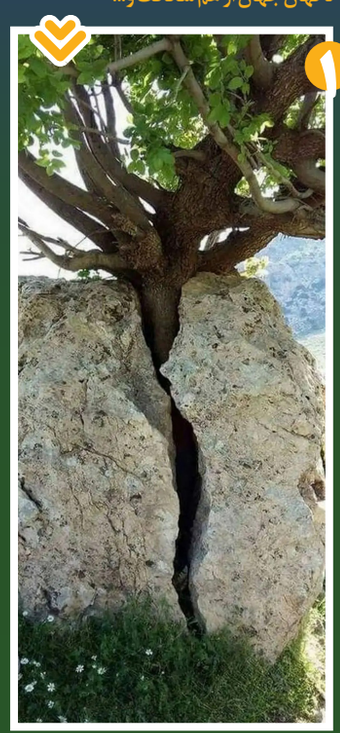

۱

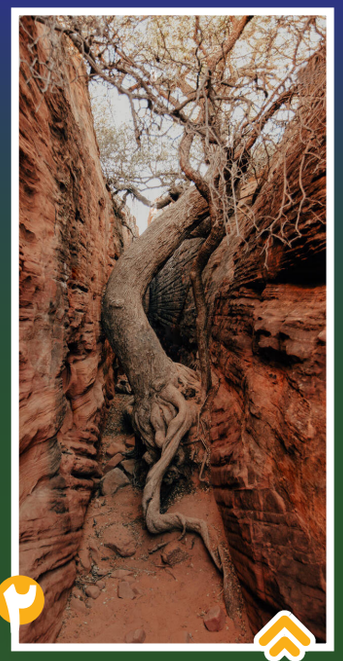

۲

مقاومت در برابر دیواره

دره اسلات در سنت جورج، شهری در ایالت یوتا در آمریکا که به خیال خودش، قرار نبود اجازه نفس کشیدن به درخت قصه ما را بدهد، اما درخت، برای رسیدن به خورشید، خودش را بالا کشید و نگذاشت دیواره صخره‌ها به هم برسند.

۳

درخت بامی!

اینجا ایران زیبای خودمان است که درختی با سرسختی، بر بامی ایستاده و از آنجا دشت‌ها و کوه‌های اطراف را می‌نگرد.

درخت وارونه

درخت انجیری که حتی به جاذبه زمین هم نه گفته و از سقف بنایی تاریخی در پارک باستان‌شناسی ترمه‌دی‌بایای کشور ایتالیا به سمت پایین روییده و میوه هم داده است.

۴

۵

پیروزی

طبیعت همیشه پیروز است؛ حتی اگر انسان‌ها نخواهند و علیه طبیعت، قیام کنند.

۶

مهمان ناخوانده

منطقه گرینبرگ در نیویورک، دادسرایی دارد که ارتفاعش بیش از ۴ متر است و حالا سال‌هاست بر سقفش، مهمانی سبز دارد که در آنجا، جا خوش کرده، بدون اینکه کسی مراقبش باشد.

گرینویچ

مالیات بر گاز معده گاو

شاید به رفتار و قیافه‌شان نخورد، اما گاوها و گوسفندها یکی از بزرگ‌ترین دشمنان جو زمین هستند و فعالیت‌های داخلی‌شان چنان بر گرمایش جهانی اثر دارد که دانمارک برای نفخ و گوارششان مالیات وضع کرده است. این نخستین بار در دنیاست که چنین مالیاتی وضع می‌شود و احتمال می‌رود این قانون به‌زودی به دیگر کشورهای دنیا هم سرایت کند. مشکل دقیقا اینجاست که گاز معده این دام‌ها سرشار از متان است، گازی که یکی از عوامل اصلی گرمایش جهانی است. هدف اصلی این قانون این است که شرایط را از نظر انتشار این گاز به سال ۱۹۹۰ برساند، یعنی زمانی که انتشار گازهای گلخانه‌ای در این کشور ۷۰ درصد کمتر از حالا بود. این قانون البته قرار است تازه از سال ۲۰۳۰ اجرا شود. از آن به بعد، دامداران به ازای معادل هر یک تن گاز ۴۳ دلار باید مالیات بدهند. در سال ۲۰۳۵ این مبلغ به ۱۰۸ دلار افزایش پیدا خواهد کرد.

یک شبدر و ۶۳ برگ

شبدر به‌خاطر تعدد برگ‌ها و ظاهر شکیلش محبوبیت و شهرت جهانی دارد و افراد زیادی در دنیا هستند که با کشت این گیاه زیبا به فکر ثبت رکورد به نام خودشان هستند. در کتاب رکوردهای جهانی گینس، یک سرفصل برای شبدر و تعداد برگ‌هایش وجود دارد که افراد زیادی را مشغول خود کرده است. خوش‌شانس‌ترین آنها اما یوشیهارو واتانابه، ۴۵ ساله از ژاپن است که توانسته یک شبدر با ۶۳ برگ پرورش دهد و نام خودش را در این کتاب جاودانه کند. گفته می‌شود که هرچه تعداد برگ‌های یک شبدر بیشتر باشد، کسی که آن را دارد و آن را می‌بیند هم خوش‌شانس‌تر است و حالا با این منطق می‌توان این مرد را خوش‌شانس‌ترین مرد دنیا دانست. او پرورش شبدر را از سال ۲۰۰۹ در باغچه خانه‌اش شروع کرد. در ادامه به فکر کتاب گینس افتاد و با پشت سر گذاشتن یک ژاپنی دیگر که شبدری ۵۶ برگی پرورش داده بود، نامش را در این کتاب ثبت کرد.

جدول اعداد | ۴۷۹۳

اعداد ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یک‌بار دیده شود. پاسخ‌ها در ادامه آمده است.

ساده

	۳	۷			۵	۸		
	۹	۸				۲		
				۲	۳		۹	
	۱				۲			
۸	۷						۴	۲
			۵				۸	
	۶		۹	۳				
		۲				۳	۵	
		۱	۲			۴	۷	

متوسط

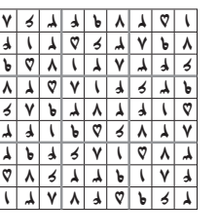

سخت

			۲					۵
					۴	۶		۸
		۲		۱			۳	
		۷					۴	
			۳	۶	۸			
	۱					۲		
	۵			۷		۹		
۱		۴	۹					
۳					۶			

متوسط

	۶			۴				۱
		۱			۲			
	۷	۵					۹	
۸				۵				۳
			۲		۳			
۹				۱				۷
	۴					۷	۵	
			۳			۲		
۱				۹			۶	

ساده

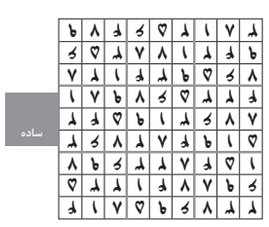

سخت

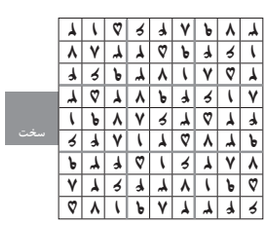

جدول ۹۱۳۶

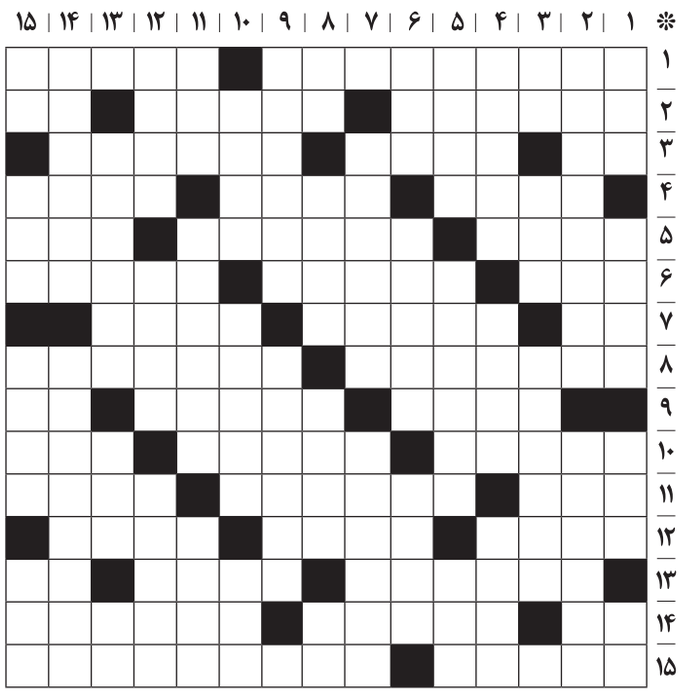

عمودی:

۱- مشهورترین رمان جین اوستین، بانوی نویسنده انگلیسی- نوعی پارچه ابریشمی
۲- ماه اول میلادی- پایتخت سنگال- خاک سرخ
۳- حرف ربط- مصیبت- روز بیست و هشتم هر ماه شمسی در ایران قدیم
۴- تابلویی زیبا اثر ادوار مانه، نقاش فرانسوی- دریچه دهانه دوربین عکاسی- چهره
۵- طناب —هم‌معنی- پیمانه
۶- ولگرد- آبیار- همداستان دمنه
۷- گیاه مرداب- رهاشده به حال خود- یکتا
۸- نوعی نوشابه گازدار- شکلی معروف در مجسمه‌سازی که از گذشته‌های دور تا امروز رواج داشته است
۹- لوازم خانه- سلول خونی بدون هسته- طاقچه بالا
۱۰- پرتو- هنرمند- سرنوشت
۱۱- آفریدن- ... فوق ایدیهم- امامان
۱۲- رایج و متداول —نام‌ها- ذخیره
۱۳- بیماری عفونی التهاب پرده مغز- افسار — نیم‌صدای درازگوش
۱۴- حرف فاصله- از آلات موسیقی آذری —هدایت‌کننده
۱۵- رنگ کردن کوتاه‌مدت مو- از آثار محمدعلی جمالزاده، نویسنده ایرانی

عمودی:

۱- از سازهای زهی در موسیقی ایرانی- در قدیم به درجه سرهنگی می‌گفتند- چند دهستان همجوار- خیس
۲- هدایت کردن- زینهار
۳- درخت زبان گنجشک- ضمیری عربی- گروهی از خوارج که بر علی(ع) شوریدند
۴- نقاب- مورد اطمینان- سیمرغ
۵- خانه ساحلی — پایان‌پذیر- سخن یاوه و بیهوده
۶- خالی- ماترک- سکوی شیرجه
۷- شهرستانی در آذربایجان شرقی- مربوط به گذشته دور
۸- عدد قرن- مرکز استان مرکزی- روغن نخل- شگرد
۹- انعکاس- از تیم‌های فوتبال باشگاهی عربستان
۱۰- چاقوی آشپزخانه- آلبومی با آواز ایرج بسطامی- توبه‌اش مرگ است
۱۱- کامل و تمام- اندیشه بی‌سابقه —رهن‌دهنده
۱۲- شیرینی تبریز- صورت اسامی- حریص
۱۳- ورزشی رزمی- از مشتقات نفت- نت سوم
۱۴- وسیله ورزشی برای دویدن در فضای بسته- لقب کشور فلسطین
۱۵- از چهره‌های مؤثر حزب نازی- معبود- آسایش- داستانی نوشته شاتو بریان
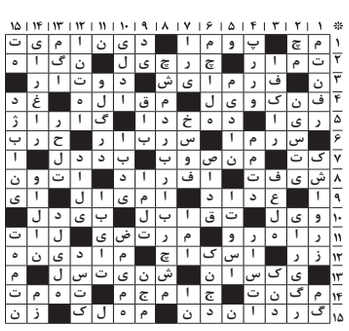
حل جدول شماره ۹۱۳۵